



خلاقیت و آفرینش اثر معماری از منظر قرآن و حکمت اسلامی

پریسا شاه وردی^۱

۱- مربی، معماری، دانشگاه فنی و حرفه ای دانشکده دکتر معین رشت

Creativity and Creation of Architectural Works from the Perspective of Quran and Islamic Wisdom

Parisa Shahverdy¹

1- Department of Architecture, Faculty of Dr Moein, Guilan Branch, Technical and Vocational University (TVU), Guilan, Iran

Parishahverdy@yahoo.com

چکیده

خلاقیت به عنوان نیروی آفرینندگی فکر بشر، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و در طول تاریخ از منظر علوم مختلف هم چون روانشناسی، فلسفه و علوم شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. در فرایند طراحی معماری این پدیده، کلید خلق آثار محسوب می شود و شناخت و درک صحیح از آن می تواند در حل مسائل طراحی و دستیابی به محصولی متعالی بسیار راهگشا باشد. تحقیق پیش رو که با هدف تعمق در فرایند طراحی و اندیشه خلاقانه صورت پذیرفته، در راستای رسیدن به اهداف خود، از دیدگاه قرآن و حکمت اسلامی به موضوع نگریسته است. بخشی از مقاله به خلاقیت در قرآن کریم پرداخته، و بخش دیگر مشتمل بر آرا و افکار حکیم فرزانه ایرانی صدرالماتلهین محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، می باشد. در انتها با توجه به نتایج حاصل از بررسی ها، مفاهیمی در باب خلاقیت و روش های تقویت آن در افراد تبیین گردیده است. مطالعات نشان می دهد که قوه خلاقه و آفرینشگری در بشر ذاتی و اکتسابی بوده و معمولاً طی مراحل خاص اتفاق می افتد. منابع دینی و حکمی اسلامی با نگاه به افق های فرامادی به خوبی نکات مبهم تحقیقات صرفاً مادی و فیزیکی را تشریح نموده و نقاط ضعف آن تحقیقات را پوشش می دهند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است.

واژه های کلیدی

خلاقیت، فرایند طراحی معماری، قرآن، ملاصدرا

Abstract

Creativity as the creative force of human thought has always been of interest to researchers and has historically been studied from the perspective of various sciences such as psychology, philosophy and cognitive science. In the process of architectural design of this phenomenon, the key is to create works, and understanding and understanding it can be very helpful in solving design problems and achieving a transcendent product. The present research aimed at reflecting on the process of design and creative thinking has been looked at from the perspective of the Qur'an and Islamic wisdom in order to achieve its goals. Part of the article deals with creativity in the Holy Quran, and the other part contains the thoughts and thoughts of the wise sage of Sadr al-Mutallahin Muhammad bin Ibrahim (Mulla Sadra). Finally, according to the results of the research, some concepts about creativity and ways to enhance it in individuals are explained. Studies show that creativity and creativity are inherent in human beings and usually occur during specific stages. Looking at the metamaterial horizons, Islamic religious and legal sources well describe the vague points of purely material and physical research and cover the weaknesses of that research. The research method in this paper is descriptive-analytical and the information is gathered in a library manner.

Keywords:

Creativity, Architectural design process, Quran, Molla Sadra



مقدمه

نقش خلاقیت و اهمیت آن در زندگی انسان ها ، بر کسی پوشیده نیست. خلاقیت در تمامی حوزه های زندگی همچون تجارت و کسب و کار، سیاست، مسائل اجتماعی، آموزش و حتی روابط عاطفی می تواند عامل موفقیت و پیروزی افراد باشد. مطالعاتی که پیرامون سازمان ها یا نهادهای موفق صورت گرفته نشان می دهد که "مدیران خلاق" در راس تصمیم گیری و تصمیم سازی این سازمان ها قرار داشته اند و در لحظات خاص و حیاتی، تصمیمات بدیع و خلاقانه اتخاذ نموده اند و این تصمیمات و به تبع آن راهکارهای خاص موجب پیشی گرفتن این نهادها از نهادهای مشابه گردیده است. مطالعات نشان می دهد افراد خلاق در رویارویی با چالش های پیش رو عموماً موفق تر عمل می کنند چرا که با روش های بدیع به حل مسائل مختلف می پردازند و با افکار و روش های نو برای رفع معضلات و مشکلات چاره اندیشی می نمایند.

آگاهی و شناخت ما از ماهیت خلاقیت و راهکارهای تقویت و اشاعه آن در نظام تعلیم و تربیت نیز حائز اهمیت می باشد. فرآیند آموزش می تواند تفکر خلاق را پرورش داده و افرادی نوآور، خلاق و مولد تربیت نماید. در برخی رشته ها همچون معماری، خلاقیت نقشی کلیدی و اساسی ایفا می کند و در واقع خلاقیت کلید اصلی آفرینش اثر معماری محسوب می گردد. به دلیل نقش کلیدی خلاقیت در فرایند طراحی معماری، این موضوع همواره در مطالعات طراحی پژوهی مورد توجه قرار گرفته است. طراحی معماری ساختاری متشکل از مراحل مختلف دارد و کیفیت و محصول نهایی آن به دانش محتوایی طراح و استفاده از آن در قالب "تفکر خلاق" وابسته است. در واقع خلاقیت محور آفرینشگری است ، آفرینشی که موجب شکل گیری یک اثر بدیع، زیبا و سودمند معماری می گردد.

"خلاقیت" به عنوان یکی از عالی ترین جلوه های اندیشه انسان، همواره مورد اهتمام پژوهشگران قرار داشته و توسط محققان علوم مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است.

به عنوان مثال محققان علوم رفتاری در دوران معاصر به پژوهش پیرامون فرایند طراحی و ساز و کار خلاقیت پرداخته اند. جان لنگ در کتاب "آفرینش نظریه معماری" به انتشار این مطالعات پرداخته است.

برایان لاوسون با تخصص در دو عرصه معماری و روانشناسی، در حدود چهار دهه است که به تحقیق در زمینه "طراحی" پرداخته و آثار متعددی در این زمینه منتشر نموده است. موضوعات مورد بحث وی شامل فرایند طراحی، مساله ها و راه حل های طراحی و تفکر طراحانه است.

توافق عمومی بر این است که پنج مرحله را در فرایند خلاقیت می توان تشخیص داد، که آن ها را "دریافت اولیه"، "تدارک"، "نهفتگی"، "روشنگری" و "نفی و اثبات" می خوانیم.

مرحله "دریافت اولیه" تشخیص وجود مساله یا مساله ها و تصمیم به حل آن ها می شود. بنابراین وضعیت مساله به طور رسمی یا غیررسمی در ذهن فرموله و بیان می شود. این مرحله معمولاً بسیار کوتاه است، هرچند ممکن است سال ها دوام داشته باشد.

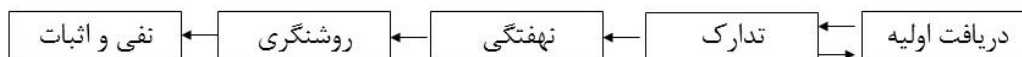
مرحله "تدارک" مستلزم کوشش آگاهانه زیادی در جست و جوی راه حل مساله است. در طراحی، میان این مرحله و مرحله نخست نوعی رفت و برگشت اتفاق می افتد زیرا ممکن است مسئله دیگر بار فرموله و یا، حتی ضمن کند و کاو در دامنه راه حل های ممکن، کاملاً از نو تبیین شود. اما آنچه میان آن ها که درباره خلاقیت می نویسند مورد توافق است، این اعتقاد است که این مرحله سخت، فشرده و آگاهانه ی کار، غالباً دوره آرام تر "نهفتگی" را به دنبال دارد و پس از آن لحظه جادویی "روشنگری" اتفاق می افتد. اینکه چگونه و چرا ذهن انسان به این طریق عمل می کند کاملاً روشن نیست. برخی معتقدند در دوره نهفتگی، ذهن به تنظیم دوباره و آزمودن همه داده هایی که در دوره های پرکار قبلی جذب شده است، ادامه می دهد. دوره نهفتگی همچنین ممکن است خطی فکری را به توقف کشاند و فرد وقتی دوباره به سراغ مساله برگردد خود را برای رفتن به مسیری تازه آزادتر از قبل بیابد(لاوسون، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

نهایتاً به دوره "نفی و اثبات" می رسیم که طی آن ایده آزموده می شود، بسط و توسعه می یابد. باز هم باید به خاطر



آورد که در طراحی، این مراحل آن طور که در این تحلیل بیان می شود منفک و مجزا نیستند. ممکن است دوره نفی و اثبات مکرر نامناسب بودن ایده را آشکار کند، اما جوهره آن امکان دارد هنوز معتبر باشد. شاید این امر منجر به فرموله کردن مجدد مساله و دوره جدید کند و کاو شود و بدین منوال ادامه یابد (لاوسون، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸). در واقع مراحل خلاقه فرایند طراحی شامل تناوبی است از دوره های کار سخت و دوره هایی آرام تر که تلاش ذهنی اندکی در آن صرف می شود.

نمودار ۱- مراحل فرایند خلاقه از دیدگاه لاوسون، منبع: نگارنده



کند و کاو پیرامون آفرینشگری و خلاقیت به عنوان موضوعی نو در بین محققین معاصر مورد توجه قرار گرفته و با وجود تحقیقات فراوان هنوز ساز و کار فرایند خلاقیت به درستی تشریح نگردیده و هنوز از لحظه ظهور ایده به عنوان فرایندی پیچیده و ناشناخته یاد می شود. این در حالیست که آموزه های دینی ما سرشار از سخنان نغز و مبانی غنی تفکر خلاق است. قرآن کریم به عنوان کتابی آسمانی و معجزه پایدار جهان، منبع بزرگی از علم و حکمت برای انسان های اندیشمند و متفکر می باشد. خداوند تبارک و تعالی در قرآن بطور مکرر انسان را به تفکر و اندیشه در خلقت و عظمت آسمان ها و زمین و موجودات آن و رازهای هستی توصیه می نماید .

قرن ها پیش فلاسفه اسلامی با تعمق به مقوله خلاقیت و خیال ورزی پرداخته و مطالب ارزشمندی در این زمینه به یادگار گذاشته اند. در این میان ملاصدرا (سده یازده هجری قمری)، فیلسوف و حکیم فرزانه ایران زمین و بنیانگذار حکمت متعالیه، نظریات ارزشمندی دارد که در ادامه تحقیق آرا و نظرات این فیلسوف در باب خلاقیت مورد بررسی قرار می گیرد. این تحقیق با هدف درک بهتر و عمیق تر از سطوح پنهان و نامحسوسی که مبادی هنر و آفرینش هنری را شکل می دهد، انجام گرفته است و در راستای دستیابی به اهداف خود باید به این سوالات پاسخگو باشد:

۱) خلاقیت چیست و چه ماهیتی دارد؟

۲) خلاقیت ذاتی است یا اکتسابی؟

۳) چگونه می توان خلاقیت را تقویت نمود؟

انجام این مطالعات و شناخت هرچه بیشتر از پدیده خلاقیت موجب شناخت هر چه بیشتر از ساز و کار طراحی معماری و رسیدن به محصول سودمند و فضای انسانی مطلوب می شود. این آموزه ها به معماران کمک می کند که بهتر طراحی کنند . هم چنین به آموزگاران معماری کمک می کند تا بتوانند طراحان بهتری آموزش دهند.

مفهوم خلاقیت

"خلاقیت"، از فعل خلق کردن به معنای آفریدن و به وجود آوردن اقتباس شده است. استاد دهخدا خلاقیت را چنین تعریف می کند : خلاق از صفات اصلی باری تعالی است و قوه خلاقه نیرویی است که منجر به تولید صورت های بدیع می گردد. آن چه از دقت در تعاریف به دست می آید، آن است که خلاقیت فرایندی است که طی آن، انسان خلاق توسط حواس، اطلاعاتی از جهان پیرامون (آفاق) کسب می کند و به شیوه ای نو و تازه که از شیوه دیگران متمایز است و از درونیات شخص خلاق بر آمده است و منحصر به عوالم درونی اوست (انفس) ، به بازآفرینی می پردازد.

از دیدگاه ترزا آمابلی از پژوهشگران این حوزه، خلاقیت خلق چیزی است که با تمام چیزهایی که قبلاً دیده و شنیده شده متفاوت باشد و در عین تفاوت، صحیح، مفید و مناسب باشد (آمابلی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱).

جورج لند خلاقیت را به وجود آوردن چیزی بدیع و منحصر به فرد و هستی بخشیدن به چیزی که قبلاً هرگز وجود نداشته است تعریف می نماید (لند، ۱۳۷۹، ص ۱۳).



به طور کلی خلاقیت، فرایندی است که طی زمان ادامه داشته و ابتکار، انطباق‌پذیری و تحقق، از خصوصیات بارز آن به شمار می‌آیند و می‌تواند جواب‌گویی برای مشکلات باشد. برخی از محققان، اصولی برای مشخص شدن مرزهای خلاقیت تعریف نموده‌اند:

اول اینکه خلاقیت، متضمن پاسخ یا مفهومی نو باشد؛ دوم، خلاقیت باید گره‌ای را بگشاید یا با وضعیتی تناسب داشته و یا مقصود معینی را برآورد؛ سوم، خلاقیت واقعی مشروط به دوام آن بینش ابتکاری، ارزیابی و تفسیر و رشد آن باشد. نکته ی قابل توجه این که فرد تیز هوش، بیشتر برای خودش مفید است ولی فرد خلاق هم برای خود و هم برای جامعه اش مفید است. تفکر خلاق، تفکری است که از فرصت ها حداکثر استفاده را می برد.

خلاقیت در قرآن کریم

"خلاق" صیغه مبالغه و به معنی بسیار آفریننده، از اسمای حسناى خداوند است. در قرآن کریم در دو مورد واژه خلاق به کار رفته است:

«ان ربك هو الخلاق العليم» (حجر/۸۶)؛ به درستی که پروردگار تو همان آفریدگار آگاه است.
«أو ليس الذى خلق السموات والارض بقادر على أن يخلق مثلهم بلى و هو الخلاق العليم» (یس/۸۱)؛ آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده قادر نیست که مانند ایشان را بیافریند؟ چرا او آفریدگار آگاه است.
بر اساس این آیات خلاق از اسمای خداوند تبارک و تعالی است. در حقیقت خداوند اولین خلاق و نوآور هستی بوده و نظم و زیبایی شگرفی را در عالم بنا نهاده است. خداوند هستی بخش تمام کائنات و مظهر اراده خلاق و مصدر نوآوری است. یکی از اسماء الهی بدیع است و بدیع به معنای ایجاد و آفرینش اشیاء بدون طرح و الگوی قبلی است. امر بدیع به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که سابقه قبلی ندارد و کاملاً از ساختار نو و جدید برخوردار است. «بدیع السموات والارض» (سوره بقره/۱۱۷)؛ او آفریننده (مبدع) آسمان‌ها و زمین است. خدای سبحان هم خالق و هم بدیع و نوآور است به این معنا که هم مواد خام اشیاء را از نیستی به هستی آورده و هم صورت‌هایی که به آن‌ها داده ابتکاری و نو ظهور است. «یستله من فی السموات والارض کلّ یوم هو فی شأن» (سوره رحمان/ ۲۹)؛ موجودات آسمان‌ها و زمین محتاج اویند و هر لحظه او مشغول انجام کاری است. از آیه چنین استفاده می‌شود که کارهای الهی تقلیدی نیست، بلکه سرشار از ابتکار و نوآوری است. هم‌چنین اسماء دیگر پروردگار عالم هم‌چون: مصور، مبدع، کاشف، منشی، قابض، باعث، خالق، فارق، فاتح، متضمن، معنا و مفهوم نوآوری، ایجاد و شکوفایی پدید آورنده‌اند.

«ولقد خلقنا الإنسان من سلالة من طين* ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین* ثم خلقنا النطفة علقة مضغة فخلقنا المضغة عظماً فکسونا العظام لحماً أنشأناه خلقاً آخر فتبارک الله أحسن الخالقین» (مومنون/۱۲-۱۴)؛ و همانا انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم، پس او را به صورت نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را لخته خونی کردیم و لخته خون را به پاره گوشتی مبدل نمودیم، باز آن گوشت را استخوان ساختیم. آنگاه به استخوان ها گوشتی پوشانیدیم، پس از آن (به دمیدن روح) خلقتی دیگرش انشا نمودیم. آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.

از تعبیر احسن الخالقین بهترین خالق ها استنباط می‌شود که خلقت تنها مختص به خدا نیست و علاوه بر خداوند انسان نیز قدرت و توانایی آفرینندگی دارد. بدیهی است میان خالقیت خدا و انسان تفاوت ها و تمایزات اساسی وجود دارد. آفرینندگی و خلاقیت خداوند بالاصاله و بالاستقلال است، در حالی که آفرینندگی انسان وابسته به قدرت لایزال الهی است (دینانی درشتی، ۱۳۸۹، ص ۳). خداوند ماده و صورت اشیا را می‌آفریند، در حالی که اگر انسان بخواهد چیزی را ایجاد کند تنها می‌تواند با استفاده از مواد موجود این جهان، صورت تازه ای به آن ببخشد. خلقت و آفرینش خداوند نامحدود است و او آفریدگار همه چیز است، در حالی که توانایی خلقت و ابداع انسان محدود است. آفرینش الهی خالی از هرگونه عیب و نقص بوده و



تمام و کمال است، در حالی که آفرینش انسان معمولاً با عیب و نقص و کاستی‌هایی همراه است. توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که قرآن، اهمیت بحث نوآوری را مورد توجه قرار داده و همواره محیط پیرامون و طبیعت را به عنوان مظهر نوآوری‌ها بیان کرده و انسان‌ها را به تفکر در آن دعوت نموده است. از نظر قرآن نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته یک اصل مسلم و ضروری است؛ زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده و به خردورزی و راهیابی دعوت می‌کند. قرآن انسان‌ها را به نو اندیشی در مسیر هدایت دعوت کرده تا هم خردهای آنان را بیدار نماید و هم راه‌های تازه‌ای را فراروی انسان‌ها بگشاید و آن‌ها را به هدایت برساند. به همین دلیل، دعوت به فکر، علم، عقل، تدبیر، حکمت، نور و امثال آن در آیات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است و انسان‌های هدایت یافته را مردگانی که زنده شده اند دانسته و برای آنان نور هدایتگر قرار داده است. «و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه أبائنا أولو كان آبائهم لايقلون شيئا و لا يهتدون» (بقره/ ۱۷۰)؛ چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می‌کنیم، آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته اند، باز هم درخور پیروی هستند؟! گرچه نوآوری و خلاقیت از ویژگی‌های آدمی است ولی از اوصافی است که ریشه در خالقیت خدا دارد، زیرا از سویی خداوند خالق است و هستی مخلوق او و از سوی دیگر حداقل در سطح زمین، آدمی جانشین خدا است و از این رو می‌تواند خلاق باشد و بیافریند. حاصل آنکه انسان از سوی خالق هستی و از سوی کسی که مبدع آسمان و زمین است، استعداد نوآوری را دارد، ولی به جهت گرایش ناسوتی‌اش ممکن است به گمراهی رود. از این رو از سویی باید تلاش کند که سنت‌های غلط را بشکند. عادات ناصواب را نپذیرد، از تخصص همواره بهره‌مند گردد و ... ولی از سوی دیگر در مسیر درست و غایات مطلوب گام بردارد، تا محصول و نتیجه خلاقیتش برای خود، جامعه و طبیعت مفید افتد و سرمنشأ تمدن و دستاوردهای عظیم بشری گردد. نتیجه آنکه صرف نوآوری ممدوح نیست، بلکه باید خلاقیت و شکوفایی در جهت غایات مثبت، سازنده و ارزشی باشد. قرآن نه تنها به خلاقیت و نوآوری توصیه می‌کند بلکه مثال‌های عینی نیز از نوآوری‌های اولیای الهی ارائه می‌کند. مثلاً اولین کسی که توانست از آهن زره بیافد حضرت داوود بود که آن را در پرتو تعلیمات الهی در اختیار و معرض استفاده بندگان صالح قرار داد. «و علمناه صنع لبوس لکم لتحصنکم من باسکم فهل انتم شاکرون» (انبیاء/ ۸۰)؛ و به خاطر شما به داوود صنعت زره سازی و لباس جنگی آموختیم تا شما را از سختی و آسیب جنگ‌ها حفظ کند پس آیا شکرگزار هستید؟ حضرت یوسف در زمانی که طبق درخواست خودش به عنوان رئیس خزانه‌های گندم از سوی فرعون وقت مصر تعیین گردید با به کار بستن شیوه‌ای نو از فساد گندم‌ها جلوگیری کرد و مردم مصر را از خطر مرگ در هشت سال قحطی نجات داد. «قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبلة الا قليلا مما تاكلون» (یوسف، ۴۷)؛ گفت هفت سال پی در پی می‌کارید و آن چه را درو کردید جز اندکی را که می‌خورید در خوشه‌هایشان نگه دارید. در برخی از آیات، قرآن کریم تقوا و استمداد از قدرت الهی را باعث بروز و ظهور خلاقیت در فرد مومن می‌داند. فرد مومن اگر تقوای الهی پیشه کند و زمام امور خود را در سختی‌های زندگی به دست خداوند بسپرد هیچ گاه درها به روی او بسته نخواهند ماند و همواره به منظور فائق آمدن بر بن‌بست‌های موجود تدبیر و چاره‌ای نو به او الهام می‌شود. «و من یتق الله يجعل له مخرجاً» (طلاق/ ۲)؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند همواره خداوند برای او راه نجاتی قرار می‌دهد. «یا ایها الذین آمنوا إن تتقوا الله يجعل له فرقاناً» (انفال/ ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند به شما قوه تمییز (فرق گذاری میان بد و خوب) می‌دهد. از آیات یاد شده به خوبی می‌توان تاثیر معنویت بر پرورش یک ذهن خلاق را نتیجه گرفت. بدین معنا که تقوا باعث اتصال وجود مومن به وجود خالق می‌شود که سرچشمه و منبع خلاقیت و نوآوری است. در پرتو همین آموزه‌های قرآنی بود که پیامبر(ص)، اولیاء دین و مسلمانان در موارد متعدد با ابتکار عمل و خلاقیت خود به نوآوری‌های بزرگی اقدام نموده و تمدن بزرگ اسلامی را شکل دادند. از جمله، حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکامی که توسط معصومین(ع) بیان شده نظیر ضرب سکه به پیشنهاد امام محمد باقر (ع) نوآوری‌های اثر بخش



و کارآمدی بود که باعث رونق و توسعه اسلام گردید.

تشویق به علم و دانش و سفارش به تعقل و تدبیر و تفکر در آیات الهی حکایت از روحیه تحول‌گرائی و نوآوری دارد. یکی از عوامل زمینه‌ساز خلاقیت کنجکاوی و پرسشگری نسبت به محیط پیرامون است. خلاقیت در خلاء شکل نمی‌گیرد بلکه مستلزم اطلاعات جدید و بستر فکری متفاوت نسبت به وضعیت سابق است. در قرآن کریم و احادیث ائمه دین همواره به پرسیدن تشویق و ترغیب شده است و رای و نظر خواهی از دیگران از نشانه‌های خرد و بلوغ فکری به حساب می‌آید. «فاسئلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» (نحل/ ۴۳)؛ اگر نمی‌دانید از صاحبان علم و آگاهان سوال کنید. پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر دو روز کسی برابر باشد ملعون است، اگر فردای کسی بهتر از امروزش باشد مقبول است. این موضوع نشانه آنست که مؤمن دائماً باید در حال نوآوری باشد و ایستایی و درجا زدن را کنار بگذارد. اگر دین اسلام دین همه دوران‌ها است باید ذات آن اقتضای پویایی و ابتکار و نوآوری و خلاقیت را داشته باشد؛ زیرا اصول کلی ثابت همراه با مکانیسمی که در همه زمان‌ها به نیازهای متغیر پاسخ می‌دهد تفسیر گردد. وجود "اجتهاد" در اسلام شاهی بر به رسمیت شناختن خلاقیت و نوآوری در اسلام است زیرا اجتهاد نهایت تلاش و کوشش یک مرجع دینی برای پاسخگویی به همه مسائل و نیازهای متغیر در هر عصر و زمان است به گونه‌ای که در دین ورزی عسر و حرجی برای نسل‌های دوره‌های مختلف پیش نیاید.

خیال و خلاقیت از نگاه صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)

از منظر صدرای شیرازی انسان مثال خداوند در زمین است، از این جهت که ذهن انسان می‌تواند تصورات و تصدیقات محال یا معدوم را در ذهن خود بسازد و به آن‌ها احکام ایجابی و سلبی بدهد (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۰۴). به این معنا که خداوند نفس انسان را به گونه‌ای ساخته است که توانایی دارد، بیرون از حواس ظاهری خود، صورت‌ها و اشیایی را بسازد و همه افراد قادرند در ذهن خود موجودات و پدیده‌های ذهنی ایجاد کنند. بر اساس این نظریه که از آن به "وجود ذهنی" تعبیر می‌شود نفس انسان قدرت ابداع‌گری دارد. در واقع وجود ذهنی به معنای قوه خلاق ذهن است. خداوند در قرآن دو نوع آفرینش برای خود بیان می‌کند: "خلق"، به معنی آفرینش اشیای مادی از مواد و اشیای دیگر و "امر"، به معنای آفرینش از عدم. در نشئه انسانی به نوع اول تولید و به نوع دوم "خلاقیت" اطلاق می‌شود.

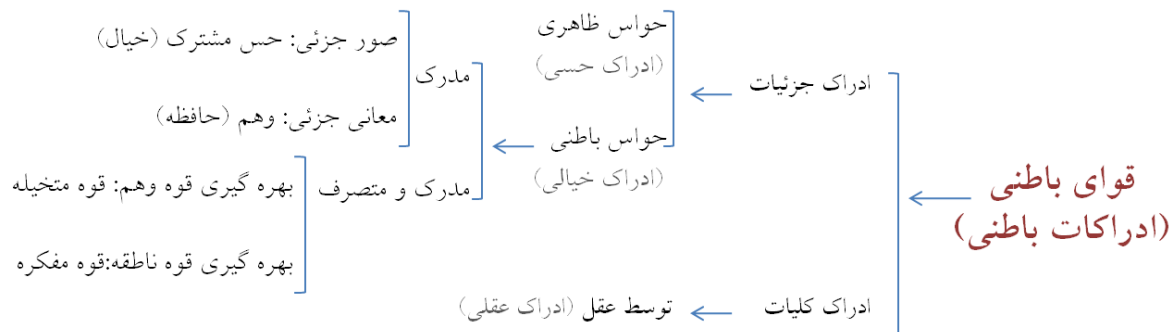
صدرا در کتاب اسفار اربعه (سفر چهارم: سفر از حق به خلق)، به تشریح ماهیت نفس پرداخته و نفس انسان را شامل بر سه قوه می‌داند: قوای نباتی، قوای نفوس حیوانی و قوای باطنی (ادراکات باطنی). قوه باطنی جزئیات و کلیات را ادراک می‌کند. ادراک کلیات توسط عقل (ادراک عقلی) و ادراک جزئیات از طریق حواس ظاهری (ادراک حسی) یا حواس باطنی (ادراک خیالی) صورت می‌گیرد. حس باطنی یا فقط مدرک است و یا اینکه هم مدرک است و هم متصرف. اگر فقط مدرک باشد، می‌تواند مدرک "صور جزئی" و یا مدرک "معانی جزئی" باشد. مدرک صور جزئی "حس مشترک" نامیده می‌شود. "حس مشترک" قوه‌ای است که تمام صور محسوسات ظاهری بدان منتهی می‌گردد، و حواس نسبت به آن مانند جاسوسانی هستند که اخبار نواحی مختلف را برای وزیر پادشاه می‌آورند (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۵). حس مشترک صور جزئی را درک می‌کند اما آن‌ها را حفظ نمی‌کند. قوه‌ای که به واسطه آن صورت موجودات در باطن حفظ می‌گردد "قوه خیال" می‌باشد. مغایرت قوه خیال یا مصوره با حس مشترک در این است که حس مشترک قوه قبول صور و خیال قوه قبول و حفظ صور می‌باشد. حس مشترک صور را مشاهده می‌کند و خیال تخیلشان می‌کند. قوه خیال، قوه‌ای جوهری و باطنی، و غیر از عقل و حس ظاهر بوده و دارای عالم دیگری غیر از عالم عقل و عالم طبیعت و حرکت می‌باشد (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۰۳).

مدرک معانی جزئی "وهم" نامیده می‌شود و خزانه واهمه عبارت از حافظه است. قوه متصرفه، قوه‌ای است که کارش تصرف در مدرکاتی است که در دو خزانه خیال و واهمه مخزون شده، یعنی در آن‌ها به واسطه ترکیب و تحلیل تصرف می‌



نماید. بنابراین انسانی را به صورت پرنده ای و کوهی از زمرد و دریایی از جیوه ترکیب می دهد و این قوه اگر قوه وهمی حیوانی را در کار بگیرد، به نام "متخیله" نامیده می شود و اگر قوه ناطقه را در کار بگیرد به نام "مفکره" نامیده می شود (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۰). "قوه متخیله"، قوه ای خاص است زیرا ما می توانیم بعضی از صور محسوس را با بعضی دیگر ترکیب داده و بعضی از آن ها را از بعضی دیگر جدا سازیم، البته نه آنگونه که در خارج مشاهده می کنیم بلکه هرگونه که بخواهیم تخیل کنیم، مانند حیوانی که سرش مانند انسان است و اعضای بدنش مثلاً مانند بدن اسبی که دو بال دارد، این تصرف برای دیگر قوا ثابت نیست و خاص قوه متخیله است (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۰۴). حس مشترک و خیال، جایگاهشان بطن جلو مغز، متخیله متصرفه، جایگاهش بطن میانی مغز و حافظه جایگاهش بطن آخر مغز است (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۰). نمودار شماره ۲ اجزای قوای باطنی را نشان می دهد.

نمودار شماره ۲- اجزای قوای باطنی از دیدگاه ملاصدرا، ماخذ: نگارنده



بنابراین در فلسفه صدرایی انسان دارای سه نوع ادراک می باشد: ادراک حسی، ادراک خیالی و ادراک عقلی. بر این اساس نفس انسان دارای سه مقام "عقل و قدس"، "نفس و خیال" و "حس و طبیعت" می باشد و به این ترتیب خیال و خلاقیت مرتبه ای از نفس آدمی به شمار می رود.

ملاصدرا هم چون شیخ اشراق و ابن عربی برای خیال، مقامی بینابینی میان دو عالم مجرد و ماده فائل است. او در باب نهم سفر چهارم از اسفار اربعه عوالم انسانی را در قالب سه عالم توصیف می کند: عالم عقل، عالم نفس و عالم محسوسات یا طبیعت. "عالم محسوسات"، که عالم مادیات است و کسب معرفت از طریق حواس طبیعی صورت می گیرد. "عالم معقولات" که عالم عاری از ماده بوده و درک مفاهیم کلی توسط عقل و به صورت شهودی و حضوری در این عالم اتفاق می افتد. "عالم خیال" که بین عالم محسوسات و عالم معقولات قرار دارد. در این عالم انسان اطلاعات حسی را فرا می خواند و به میل خود از نو می سازد. انسان در عالم خیال دست به ابداع می زند و از عدم، پدیده هایی را به وجود می آورد. عالم محسوسات مشترک بین تمامی موجودات می باشد اما عالم خیال و عالم معقولات مختص انسان است. انسان بسته به "مراتب وجودی" خود می تواند در هر سه عالم سیر کند و به شناخت متناسب به هر عالم دست یابد. از نظر ملاصدرا "علم" از مقوله وجود است و مانند وجود از تشکیک (نوسان) برخوردار است و مانند وجود دارای مراتبی است. علم و ادراک به یک معنی اند و بر انواع ادراکات (مانند تعقل، تخیل و احساس) اطلاق می گردد (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۰ و ۲۴۱). وقتی که شخص چیزی را ادراک می کند، علمی که از ادراک آن شی به وجود می آید، با شناخت فرد متحد و یکی می شود. بنابراین علم و معرفت نوعی تحول و تکامل نفس است و نفس با هر اندیشه ای که می یابد، وجودی تازه پیدا می کند. مفهوم اتحاد "عقل و معقول"



به معنی متحد گردیدن نفس به عقل فعال است.

از دیدگاه ملاصدرا علم به دو گونه "حصولی" و "حضوری" است. شناخت حضوری، یعنی دریافت مستقیم و بدون واسطه واقعیت و شناخت حصولی یعنی دریافت غیر مستقیم و با واسطه. در علم حضوری که معمولاً در عالم عقل حاصل می‌گردد، وجود علم عین وجود معلوم است و انکشاف معلوم توسط عالم به واسطه حضور خود معلوم است. اما در علم حصولی، انکشاف معلوم نزد عالم به واسطه حصول صورت یا تصویری از آن حاصل می‌شود. علم حضوری اشکالی دارد از جمله "علم بر خالق" ، "علم بر ذات خود" و "علم بر آفریده ام". که خلاقیت و صدور ایده از نوع سوم می‌باشد.

صدرا بین ادراکات خیالی تمایز قائل است و خیال را به دو گونه "خیال متصل" و "خیال منفصل" برمی‌شمرد. خیال متصل آن است که از اراده فاعل خود جدا نیست ، و خیال منفصل خیالی است جدا از فاعل خیال. در واقع خیال متصل، خیال ارادی و خیال منفصل، خیال خارج از اراده انسان است. قوه خیال در نفس انسان که وظیفه حفظ صور محسوسات را بر عهده دارد، همان خیال متصل است که انسان را قادر می‌سازد به صورت ارادی پدیده‌هایی را تصور کند. خیال منفصل در مقابل خیال متصل قرار دارد و موطن آن در نفس آدمی نیست بلکه منفصل از انسان و در عالمی دیگر قرار دارد که معمولاً به هنگام باز ایستادن حواس و کمی مشاغل حاصل می‌شود و رویا و مشاهده نام دارد. به نظر صدرا صورت های عالم خیال بسیار لطیف تر و قوی تر از صور مادی اند. بدین ترتیب صوری که عارف شهود می‌کند تنها صور عالم مثال نیست بلکه صور مخلوق به واسطه خلاقیت نفس عارف و هنرمند نیز هست. قدرت قوه خیال از دیدگاه صدرا، گاهی فطری و گاهی کسبی است و از جمله عوامل کسبی ، کم خوردن و آشامیدن، بی خوابی زیاد، رها کردن تن آسایی و رها شدن از بند نرمی و لطافت است. " و اگر فرض برخواستن سرگرمی‌ها و شواغل و گردآمدن همت و نیروی اراده و انحصار قوی در متخیله بشود هر آینه آن صور، حضورشان بیشتر و آشکاریشان برای نفس فزون تر و شدیدتر است " (صدرالمتهالین شیرازی، مفاتیح الغیب، ۹۶۴). با تامل در آموزه های قرآن و حکمت اسلامی و نظریات حکیم ملاصدرا می‌توان به تشریح فرایند آفرینشگری آثار هنری و معماری پرداخت. با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان گفت که طرح معماری حاصل تعامل دو مولفه می‌باشد. مولفه اول بهره‌مندی از اطلاعات، معلومات و محفوظات که شامل علوم مهندسی، تکنولوژی، برنامه ریزی و مانند این‌ها بوده و مولفه دوم "خلاقیت" ، که بدون آن هیچ برنامه‌ای تجسم عینی نخواهد یافت. در فرایند طراحی معماری، معمار کلیه معقولات و محفوظات خود را به کار می‌گیرد و اگر نیاز باشد معلومات دیگری نیز کسب نموده و تلاش می‌کند این داده‌ها را با خواسته‌های طرح پیوند دهد و تلفیق نماید. اما در حقیقت عامل اصلی ایجاد و خلق یک اثر هنری "ایده" طرح است که از باطن هنرمند نشأت می‌گیرد. ایده از قسم علم حضوری است و می‌تواند عقلی و خیالی باشد. معمار به مدد قوه خلاقه خود صورت‌هایی مثالی در عالم خیال برای معماری صادر می‌نماید. ایده صادره دارای مراتب مختلفی است و بسته به توان، جوهره و آمادگی شخص معمار دارد که تا چه مرحله‌ای از مراتب وجود را طی نموده باشد. ایده‌ها اتفاقی به سراغ کسی نمی‌آیند و نیازمند پیگیری، مطالعه و تلاش مداوم هستند. همان‌گونه که صدرا می‌گوید اتحاد عاقل و معقول امری ذاتی در انسان است و معمار به صورت آگاهانه و ناآگاهانه تحت تاثیر و به بیان دیگر در "اتحاد" با معقولات خود قرار می‌گیرد. خلاقیت از ویژگی‌های ذاتی انسان است که می‌توان با کسب معرفت، عرصه را برای شکوفایی آن گشود. آفرینش اثر معماری طی مراحل اتفاق می‌افتد که بخشی از این مراحل حاصل تلاش خودآگاه معمار است و بخشی به صورت ناخودآگاه انجام می‌پذیرد. این فرایند شامل دوره سخت و پرکار اولیه است ولی برای رسیدن به ایده و پاسخ مناسب برای مساله طراحی نیاز به آرامش ذهنی است و می‌بایست شرایط برای رها کردن مساله و آرام سازی ذهن فراهم گردد. پس از بروز ایده یا ایده‌ها، به منظور انتخاب گزینه بهینه می‌بایست ایده مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد و در نهایت پاسخ نهایی حاصل گردد. این مرحله نیز به شیوه خودآگاه و ارادی انجام می‌گیرد. در واقع فرایند طراحی ترکیبی از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه ذهن است که طی مراحل اتفاق می‌افتد. گاه ممکن است این مراحل به صورت رفت و برگشتی تکرار شود.



جدول ۱- آرا ملاصدرا در باب خلاقیت، مآخذ: نگارنده

مفاهیم	ملاصدرا
تعریف خلاقیت	آفرینش چیزی از عدم
ماهیت خلاقیت	ذاتی و اکتسابی
تقویت خلاقیت	کسب معرفت (اتحاد عاقل و معقول)
فرایند طراحی	مراحل خودآگاه و ناخودآگاه
روشنگری	در حالت آرامش ذهنی
اندیشه طراحانه	مخیله، متفکره، مصوره
مولفه اثر معماری	علم حصولی و علم حضوری
ظهور ایده	شهود و علم حضوری (در عالم خیال و عقل)

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش کلیدی خلاقیت و تاثیر آن در کیفیت محصول نهایی معماری این موضوع مورد توجه اندیشمندان معاصر قرار گرفته است و علوم مختلف از دیدگاه خود تحقیقاتی در این زمینه به انجام رسانیده اند. پژوهش های معاصر با تحقیق، مطالعه و بررسی بر روی طراحان، دانشجویان معماری و معماران دستاوردهایی در زمینه خلاقیت و فرایند طراحی شامل دسته بندی و معرفی مراحل فرایند آفرینشگری ارائه نموده اند اما در مورد علت ها و چگونگی بروز این مراحل پاسخی ارائه نمی دهند و بسیاری از چرایی ها را نامعلوم می دانند. آموزه های معنوی و آرا و افکار صدرالمتهلین در باب خلاقیت و آفرینشگری که در بسیاری موارد در انطباق با یافته های جدید قرار دارند با نگاه به افق های فرامادی و خارج از عالم محسوسات به توجیه این پدیده ها و تشریح آن ها می پردازند.

با توجه به اهمیت خلاقیت در معماری مطالعاتی از این دست می تواند گامی موثر در دستیابی به محصول ارزشمند و کارآمد معماری باشد. به علاوه نقش خلاقیت در ارتقا کیفیت حیات بشر نیز انکارناپذیر است. شناخت ماهیت این پدیده و روش های رشد و تقویت آن در افراد می تواند منجر به خلق جامعه و جهان بهتری گردد. منابع دینی ما جزو غنی ترین منابع موجود برای مطالعه و تعمق می باشد. این تحقیق به مثابه شالوده ای کوچک از بنای عظیم و پیچیده خلاقیت به عنوان یکی از ویژگی های انسانی می باشد. امید است در آینده فرصتی برای نگارنده و سایر علاقمندان ایجاد گردد که این مبحث مهم مورد پژوهش و تامل بیشتر قرار گرفته و ابعاد و زوایای مختلف آن هر چه بیشتر عیان گردد.



مراجع

- قرآن کریم
- آمابلی، ت. (۱۳۸۸) شکوفایی خلاقیت (چاپ چهارم)، مترجمین: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو.
- دیانی درشتی، ا. (۱۳۸۹) قرآن خلاقیت و نوآوری (چاپ ششم)، بینات.
- صدرالمتهین محمدبن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۳) اسفار اربعه (سفر اول و چهارم)، ترجمه: محمد خواجهی، انتشارات مولی.
- لاوسون، ب. (۱۳۹۰) طراحان چگونه می اندیشند (چاپ اول)، ترجمه: حمید ندیمی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لند، ج/جارمن، ب. (۱۳۷۹) آینده خلاقیت و خلاقیت آینده (چاپ چهارم)، ترجمه: حسن قاسم زاده، انتشارات ناهید.